ما أَصابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللهِ وَ ما أَصابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِك (نساء ۷۹)

طرح غُرَرُ المَهدِیُون

جلد یک : الغُرر العَلَویّه

بخش الف: هزار حدیث اوّل

فاز یک: دویست حدیث اوّل

کاری از گروه طلبگی تا اجتهاد

پاییز ۱۴۰۲

http://www.tt-ej.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

توضیح:

یک: در این مجموعه از نسخه اعراب گذاری شده تصنیف غرر الحکم تالیف استاد مصطفی درایتی اخذ شده است.

دو: ترجمه محوری استفاده شده در این مجموعه نیز از استاد مصطفی درایتی نویسنده تصنیف غرر و مترجم آن است و ترجمه های بزرگان دیگر با ذکر نام آنها در مواردی جایگزین یا تصحیح و تکمیل شده است.

سه: در آینده ان شاء الله کلمات قصار سایر ائمه علیهم السلام و رسول اکرم صلوات الله علیه و آله نیز با همین دسته بندی تنظیم و با ترجمه های معتبر و اعراب گذاری اهل فن تقدیم خواهد شد.

چهار: کاربری این مجموعه علاوه بر انس با حدیث، حفظ کلمات قصار ائمه و مفاتیح و شاه کلیدهای علمی این بزرگواران برای استفاده در امور دنیوی و اخروی است...

پنج: انگیزه اولیه از این مجموعه حفظ حدیث در مدارس مسجد محور بوده است.

شش: نیت ما افزودن اکمال الغرر استاد مهدی انصاری در همان موضوع بندی ترتیب تصنیف الغرر است در آینده ان شاء الله. (حدود ۵ هزار کلمه قصار افزون بر اصل غرر)

باب اوّل: شناخت

فصل اوّل: ارزش شناخت (۱۴ حدیث)

۱. الْمَعْرِفَةُ نُورُ الْقَلْبِ

معرفت، نور و روشنایی دل است. (آقا جمال)

۲. الْمَعْرِفَةُ الْفَوْزُ بِالْقُدْسِ

شناخت، کامیابی به پاکی است.

۳. الْمَعْرِفَةُ بُرْهَانُ الْفَضْلِ

معرفت دلیل فزونی و برتری است (آقا جمال)

٤. ذَهَابُ الْبَصَرِ خَيْرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ

رفتن چشم بهترست از کورشدن بینائی دل (آقا جمال)

٥. فَقْدُ الْبَصَرِ أَهْوَنُ مِنْ فِقْدَانِ الْبَصِيرَةِ

از دست دادن چشم، آسانتر از نداشتن خرد است.

٦. لِلطَّالِبِ الْبَالِغِ لَذَّةُ الْإِدْرَاكِ

از برای طلب کنندۀ رسنده لذّت دریافتن است (آقا جمال)

٧. لَا يَسْتَخِفُّ بِالْعِلْمِ وَ أَهْلِهِ إِلَّا أَحْمَقٌ جَاهِلٌ

سبك نشمارد علم و اهل علم را مگر احمق نادان. (رسولی محلاتی)

٨. نَظَرُ الْبَصَرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَةُ

نگاه دیده سود ندهد آنجا که چشم دل و بصیرت کور باشد. (رسولی محلاتی)

٩. الْمُتَعَبِّدُ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَ لَا يَبْرَحُ مِنْ مَكَانِهِ

عبادت کننده بدون علم و دانش همانند الاغ آسیاب است که گردش می کند و دور می چرخد، ولی از جای خود بیرون نرود. (رسولی محلاتی)

١٠.فَاسْمَعُوا أَيُّهَا النَّاسُ وَ عُوا وَ أَحْضِرُوا آذَانَ قُلُوبِكُمْ تَفْهَمُوا

آی مردم بشنوید و حفظ کنید، و گوشهای دلهایتان را حاضر نمائید تا اینکه بفهمید. (شیخ الاسلامی)

١١.كَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيمَتُهُ فَضْلُهُ

تمامیّت مرد بعقل او و بهائش باندازۀ کمال و فضل اوست. (انصاری قمی)

١٢.يُنْبِئُ عَنْ قِيمَةِ كُلِّ امْرِئٍ عِلْمُهُ وَ عَقْلُهُ

خبر می دهد از بها و ارزش هر کس علم و عقلش. (رسولی محلاتی)

١٣.مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ فَهُوَ مِنَ الْبَهَائِمِ

کسی که خیر را از شر نشناسد، از چهارپایان است.

١٤. رَأْيُ الشَّيْخِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلَدِ الْغُلَامِ

رأی و اندیشه پیرمرد سالخورده نزد من از تندی و چابکی جوان کم سن و سال محبوبتر است. (انصاری قمی)

فصل دوم: دانش

۱ – برتری دانش (۳۰ حدیث)

۱۵. غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ

نهایت فضیلتها علم و دانش است. (رسولی محلاتی)

۱۶. رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ

ریشهٔ تمام فضیلتها علم و دانش است. (انصاری قمی)

۱۷. الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ

دانش ریشهٔ تمام خوبیهاست.

۱۸. الْعِلْمُ أَعْلَى فَوْزٍ

دانش برترین پیروزی است. (شیخ الاسلامی)

۱۹. الْعِلْمُ لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ

علم بارور کنندهٔ معرفت و شناخت است. (رسولی محلاتی)

٢٠. الْعُلُومُ نُزْهَةُ الْأُدَبَاءِ

دانشها تفرّجگاه اهل ادب است.

٢١. الْعِلْمُ أَفْضَلُ الْأَنِيسَيْنِ

علم برترین انیس و همدم است (رسولی محلاتی با تلخیص)

٢٢. مَنْ خَلَا بِالْعِلْمِ لَمْ تُوحِشْهُ خَلْوَةٌ

هر که با دانش خلوت کند و تنها نشیند خلوت بوحشتش نیفکند. (انصاری قمی)

٢٣. غِنَى الْعَاقِلِ بِعِلْمِهِ

توانگری عاقل و خردمند به علم و دانش اوست. (شیخ الاسلامی)

٢٤. الْعِلْمُ لَا يَنْتَهِي

دانش پایان ندارد.

۲۵. لَا سَمِيرَ كَالْعِلْمِ

هیچ مصاحب (و همنشین و قصه گوی) شبانه ای همانند علم و دانش نیست. (رسولی محلاتی با اندکی تصرف)

۲۶. شَيْئَانِ لَا تُبْلَغُ غَايَتُهُمَا الْعِلْمُ وَ الْعَقْلُ

دو چیز است که به نهایت آنها رسیده نمی شود: علم و عقل (شیخ الاسلامی)

۲۷. اَلْعِلْمُ يُنْجِيكَ اَلْجَهْلُ يُرْدِيكَ

علم تو را نجات بخشد، و جهل و نادانی تو را به تباهی اندازد. (رسولی محلاتی)

۲۸. اَلْعِلْمُ يُنْجِدُ اَلْحِكْمَةُ تُرْشِدُ

علم و دانش بلند می گرداند صاحب خود را، و حکمت باعث رشد و راه یافتن او می شود(آقا جمال)

۲۹. اَلْعِلْمُ وِرَاثَةٌ كَرِيمَةٌ وَ نِعْمَةٌ عَمِيمَةٌ

علم و دانش میراثی است گرامی، و نعمتی است همگانی. (رسولی محلاتی)

۳۰. عَلَيْكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّهُ وِرَاثَةٌ كَرِيمَةٌ

بر تو باد به فرا گرفتن علم که به راستی آن میراثی است گرامی (و گرانبها). (رسولی محلاتی)

۳۱. حَسَبُ اَلْمَرْءِ عِلْمُهُ وَ جَمَالُهُ عَقْلُهُ

حسب و افتخار و (ارزش) آدمی به علم او است، و زیبایی اش به عقل و خرد او است. (رسولی محلاتی با اندکی افزوده)

۳۲. اَلْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ اَلْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ

دانش همواره فرمان دهنده و مال فرمان برنده است. (انصاری قمی)

۳۳. اَلْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ اَلْمَالِ اَلْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ اَلْمَالَ

دانش بهتر از مال است؛ دانش نگهبان توست، ولی تو نگهبان مال هستی.

۳٤. يَتَفَاضَلُ اَلنَّاسُ بِالْعُلُومِ وَ اَلْعُقُولِ لاَ بِالْأَمْوَالِ وَ اَلْأُصُولِ

برتری می یابند مردم به خاطر علمها و عقلهاشان، نه برای مالها و ریشه ها (و نژادها) شان. (رسولی محلاتی)

۳۵. إِنَّ اَللهَ سُبْحَانَهُ يَمْنَحُ اَلْمَالَ مَنْ يُحِبُّ وَ يُبْغِضُ وَ لاَ يَمْنَحُ اَلْعِلْمَ إِلاَّ مَنْ أَحَبَّ

به راستی که خدای سبحان عطا می کند مال را به کسی که دوستش دارد یا دشمنش دارد، ولی علم را عطا نمی کند جز به کسی که او را دوست می دارد. (رسولی محلاتی)

۳٦. حُبُّ اَلْعِلْمِ وَ حُسْنُ اَلْحِلْمِ وَ لُزُومُ اَلصَّوَابِ مِنْ فَضَائِلِ أُولِي اَلْأَلْبَابِ

دوستی علم، و نیکوئی بردباری، و ملازم بودن با آنچه حق و درست است، و جدا نشدن از آن، از افزونیهای صاحبان خرد و عقل هاست. (شیخ الاسلامی)

۳۷. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى اَلْإِنْفَاقِ إِلاَّ اَلْعِلْمَ

هر چیزی به وسیلهٔ انفاق کم خواهد شد مگر علم (که انفاق در آن باعث زیادتی است). (شیخ الاسلامی)

۳۸. يُنْبِيءُ عَنْ فَضْلِكَ عِلْمُكَ وَ عَنْ إِفْضَالِكَ بَذْلُكَ

علم و دانش تو از برتری تو خبر می دهد، و بذل و بخشش تو از احسان تو آگاه می کند. (رسولی محلاتی)

٣٩. لاَ دَلِيلَ أَنْجَحُ مِنَ العِلمِ

نیست راهنمایی پیروزی یابنده‌تر از علم (آقا جمال)

٤٠. أَفْضَلُ مَا مَنَّ اَللّٰهُ عَلَى عِبَادِهِ عِلْمٌ وَ عَقْلٌ وَ مُلْكٌ وَ عَدْلٌ

برترین چیزی که خداوند سبحان بوسیله آن بر بندگانش منّت نهاده: علم و عقل، و پادشاهی، و عدل است. (شیخ الاسلامی با اندکی تصرف)

٤١. كُلُّ شَيءٍ يَعِزُّ حِينَ يَنزُرُ[١] إلاّ العِلمَ فَانَّهُ يَعِزُّ حِينَ يَغزُرُ

هر چیزی هنگامي که کم شود ارجمند و عزیز گردد جز دانش که هنگامي که افزون گردد ارجمند شود (انصاری قمی)

٤٢. مَا أَصْدَقَ اَلْمَرْءَ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَيُّ شَاهِدٍ عَلَيْهِ كَفِعْلِهِ وَ لاَ يُعْرَفُ اَلرَّجُلُ إِلاَّ بِعَمَلِهِ كَمَا لاَ يُعْرَفُ اَلْغَرِيبُ مِنَ اَلشَّجَرِ إِلاَّ عِنْدَ حُضُورِ اَلثَّمَرِ فَتَدُلُّ اَلْأَثْمَارُ عَلَى أُصُولِهَا وَ يُعْرَفُ لِكُلِّ ذِي فَضْلٍ فَضْلُهَا كَذَلِكَ يُعْرَفُ اَلْكَرِيمُ بِآدَابِهِ وَ يَفْتَضِحُ اَللَّئِيمُ بِرَذَائِلِهِ

چه راستگو است آدمی بر نفس خود، و چه گواهی بر او همانند کار او است، و شناخته نشود مرد مگر به علم و دانش او چنانچه شناخته نشود درخت غریبه و

---

[١] برخی نسخ ینُدر دارد.

ناآشنا مگر هنگام حاضر شدن میوه، و آنگاه است که راهنمایی کند میوه بر اصل آن، و شناخته شود برتری آنکه برتری دارد، و به همین گونه شخص کریم و بزرگوار، شریف و بلند مرتبه گردد به وسیلهٔ ادب خود، و رسوا شود انسان پست، به رذائل و صفات نکوهیده اش. (رسولی محلاتی)

٤٣. اَلْعِلْمُ يُنْجِدُ اَلْفِكْرَ

دانش بلند کنندهٔ (توسعه دهنده و گسترش دهنده) اندیشه است. (انصاری قمی)

٤٤. كُلُّ وِعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلاَّ وِعَاءُ اَلْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ

هر ظرفی با آنچه در آن نهند تنگ گردد و جز ظرف علم که وسعت یابد و گشاده گردد. (انصاری قمی با اندکی تصرف)

۲ – دانش، بزرگی است. (۱۵ حدیث)

٤٥. اَلْعِلْمُ جَلاَلَةٌ اَلْجَهَالَةُ ضَلاَلَةٌ

دانائی بزرگی، و نادانی گمراهی است. (شیخ الاسلامی)

٤٦. اَلْعِلْمُ مَجَلَّةٌ اَلْجَهْلُ مَضَلَّةٌ

دانش، بزرگ کننده و نادانی، گمراه کننده است.

٤٧. كَفَى بِالْعِلْمِ رَفْعَةً

بس است دانش برای بلندی مرتبه.

۴۸. اَلْعِلْمُ أَفْضَلُ شَرَفٍ

دانش برترین بزرگی است.

۴۹. اَلْعِلْمُ أَفْضَلُ شَرَفِ مَنْ لاَ قَدِيمَ لَهُ

دانش برترین شرف است برای کسی که سابقهٔ شرافت (نَسَبی) نداشته باشد (انصاری قمی با اندکی تصرف)

۵۰. أَشْرَفُ اَلشَّرَفِ اَلْعِلْمُ

شریف ترین شرافتها علم و دانش است. (رسولی محلاتی)

۵۱. لاَ شَرَفَ كَالْعِلْمِ

هیچ شرافتی مانند دانش نیست. (انصاری قمی)

۵۲. اَلْعِلْمُ زَیْنُ اَلْحَسَبِ

دانش زینت سرمایه ی شرف و افتخار انسان است. (شیخ الاسلامی با اندکی تصرف)

۵۳. لاَ عِزَّ أَشْرَفُ مِنَ اَلْعِلْمِ

هیچ عزّتی شریف تر از علم نیست. (رسولی محلاتی با اندکی تصرف)

۵۴. اَلْعِلْمُ عِزٌّ اَلطَّاعَةُ حِرْزٌ

دانش، عزّت و فرمانبرداری، پناهگاه است.

۵۵. اَلْعِلْمُ جَمَالٌ لاَ یَخْفَی وَ نَسِیبٌ لاَ یَخْفَی[۲]

دانش، زیبایی ای است که پنهان نشود و خویشاوندی است که قطع رابطه نکند.

---

[۲] در برخی نسخ لا یُخفی آمده است.

۵۶.اَلْعِلْمُ أَفْضَلُ اَلْجَمَالَيْنِ

دانش برترین زیباییهاست.

۵۷. اَلْعِلْمُ زَيْنُ اَلْأَغْنِيَاءِ وَ غِنَى اَلْفُقَرَاءِ

دانش زینت توانگران، و توانگری بیچارگان است. (شیخ الاسلامی)

۵۸. مُزَيِّنُ الرَّجُلِ عِلْمُهُ وَ حِلْمُهُ

زینت بخش مرد، دانش و شکیبایی اوست.

۵۹. مَنْ لَمْ يَكْتَسِبْ بِالْعِلْمِ مَالًا اكْتَسَبَ بِهِ جَمَالاً

هر که به وسیله علم، مالی کسب نکند به سبب آن جمال و زیبائی را (که از مال بالاتر است) کسب خواهد نمود. (شیخ الاسلامی)

۳ – دانش گنج است. (۸ حدیث)

۶۰. اَلْعِلْمُ أَفْضَلُ قِنْيَةٍ

دانش برترین سرمایه است.

٦١. الْعِلْمُ كَنْزٌ

دانش گنج است.

٦٢. الْعِلْمُ أَعْظَمُ كَنْزٍ

دانش بزرگترین گنج است.

٦٣. الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ لَا يَفْنَى

دانش گنجی بزرگ و نابود ناشدنی (فناناپذیر) است.

٦٤. لَا كَنْزَ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ

هیچ گنجی سودمندتر از دانش نیست.

٦٥. الْعِلْمُ أَجَلُّ بِضَاعَةٍ

دانش برترین سرمایه است. (انصاری قمی)

٦٦. لَا ذُخْرَ كَالْعِلْمِ

پس اندازی چون دانش نیست.

٦٧. قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ

ارزش هر کس باندازۀ دانش او است. (انصاری قمی)

٤ – رابطۀ دانش و خرد (۵ حدیث)

٦٨. الْعِلْمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ

دانش چراغ عقل است. (شیخ الاسلامی)

٦٩. الْعِلْمُ عُنْوَانُ الْعَقْلِ

علم (داشتن) نشان دهندۀ عقل و زیرکی است. (رسولی محلاتی با اندکی تصرف)

٧٠. الْعِلْمُ مِصْبَاحُ الْعَقْلِ وَ يَنْبُوعُ الْفَضْلِ

دانش، چراغ عقل و سرچشمۀ فضیلت و برتری است. (رسولی محلاتی)

۷۱. الْعِلْمُ يَدُلُ عَلَى الْعَقْلِ فَمَنْ عَلِمَ عَقَلَ

علم و دانش راهنمایی کند به عقل و خرد، پس هرکه بداند می تواند عقل و پایبندی داشته باشد. (رسولی محلاتی با تصرف)

۷۲. أَعْوَنُ الْأَشْيَاءِ عَلَى تَزْكِيَةِ الْعَقْلِ التَّعْلِيمُ

یاری کننده ترین چیزها بر پاکیزه گردانیدن (و رشد) عقل (پایبندی به آداب و احکام)، یادگیری علم است. (شیخ الاسلامی با اندکی تصرف)

۵ – دانشجویی (۳۳ حدیث)

۷۳. الْعَالِمُ الَّذِي لَا يَمَلُّ مِنْ تَعَلُّمِ الْعِلْمِ

دانشمند کسی است که از یاد گرفتن علم خسته و دلتنگ نشود. (شیخ الاسلامی)

۷٤. الْعَالِمُ مَنْ لَا يَشْبَعُ مِنَ الْعِلْمِ وَ لَا يَتَشَبَّعُ بِهِ

دانشمند آن کس است که از یاد گرفتن سیر نمیگردد و وانمود سیری از آن را هم نمیکند. (انصاری قمی)

٧٥. النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ

مردم سه گروهند: علمای الهی، و دانشجویانی که در راه نجات (به وسیله تحصیل علم هستند) و مردمان پست و بی سرو پایی که (مانند دسته ی پشه های ولگرد) به دنبال هر صدا و هر چوپانی می روند، و نه به نور علم روشنی یافته اند و نه به ستون محکمی پناه برده اند. (رسولی محلاتی با اندکی افزوده)

٧٦. اطْلُبِ الْعِلْمَ تَزْدَدْ عِلْماً

طلب دانش کن تا دانش دیگری را به علومت بیفزایی. (درایتی با اندکی تصرف)

٧٧. اقْتَنِ الْعِلْمَ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ غَنِيّاً زَانَكَ وَ إِنْ كُنْتَ فَقِيراً صانَكَ

دانش را سرمایه کن، پس اگر بی‌نیاز باشی، تو را آرایش نماید و اگر فقیر باشی، تو را نگه دارد. (درایتی با اندکی تصرف)

٧٨. امْتَاحُوا مِنْ صَفْوِ عَيْنٍ قَدْ رُوِّقَتْ مِنَ الْكَدَرِ

از سرچشمهٔ صاف و گوارائی که از تیرگی به دور و پاکیزه است (که آن سرچشمه زلال علوم آل محمّد است) آب شیرین بردارید. (انصاری قمی)

۷۹. أَلَا لَا يَسْتَحْيِيَنَّ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ فَإِنَّ قِيمَةَ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ

آگاه باشید، هرگز نباید کسی که نمی داند از اینکه بیاموزد شرم کند ، زیرا که ارزش هر مردی به اندازه دانش اوست. (شیخ الاسلامی)

۸۰. أَعْلَمُ النَّاسِ الْمُسْتَهْتَرُ بِالْعِلْمِ

داناترین مردم، کسانی هستند که غرق در دانش و فعالیت علمی هستند (و تمحّض در کار علمی دارند). (درایتی با تصرف)

۸۱. إِنَّمَا النَّاسُ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ مَا سِوَاهُمَا فَهَمَجٌ

مردمان واقعی یا عالم اند یا آموزنده علم و به جز این دو دیگران پوچ و هیچ و پشّه کوره اند. (انصاری قمی با اندکی افزوده)

۸۲. إِذَا لَمْ تَكُنْ عَالِماً نَاطِقاً فَكُنْ مُسْتَمِعاً وَاعِياً

اگر دانشمند گویایی نیستی پس شنونده ای نگهدارنده (برای سخن علما) باش. (رسولی محلاتی با اندکی افزوده)

۸۳. إِذَا سَمِعْتُمُ الْعِلْمَ فَأَلِطُّوا[۳] عَلَيْهِ فَلَا تَشُوبُوهُ بِهَزْلٍ فَتَمُجَّهُ الْقُلُوبُ

هرگاه بشنوید علم را پس به سختی بر سر آن بایستید (و جدّی اش بگیرید و حفاظتش کنید) و آن را به بازی و شوخی آمیخته نکنید که دلها آن را بیرون اندازند و نپذیرند. (رسولی محلاتی با اندکی افزوده)

۸٤. بِالتَّعَلُّمِ يُنَالُ الْعِلْمُ

دانش با فراگیری به دست می‌آید.

۸۵. تَعَلَّمْ تَعْلَمْ وَ تَكَرَّمْ تُكْرَمْ

یاد بگیر تا دانا شوی، و خود را گرامی بدار تا نزد دیگران گرامی شوی. (رسولی محلاتی با اندکی تصرف)

۸٦. تَعَلَّمِ الْعِلْمَ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ غَنِيّاً زَانَكَ وَ إِنْ كُنْتَ فَقِيراً مَانَكَ

دانش را فراگیر، پس بدرستی که اگر بی‌نیاز باشی، تو را آرایش نماید و اگر فقیر باشی، تو را تأمین کند.

---

[۳] در برخی نسخ انطووا دارد.

۸۷. عَلَى الْعَالِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ وَ يُعَلِّمَ النَّاسَ مَا قَدْ عَلِمَ

دانشمند باید آنچه را نمی‌داند فرا گیرد و آنچه را می‌داند به مردم بیاموزد.

۸۸. قَطَعَ الْعِلْمُ عُذْرَ الْمُتَعَلِّلِينَ

علم و دانش عذر بهانه جویان را قطع کرده و از میان برده است. (رسولی محلاتی)

۸۹. لِطَالِبِ الْعِلْمِ عِزُّ الدُّنْيَا وَ فَوْزُ الْآخِرَةِ

جویندهٔ دانش را عزّت دنیا و رستگاری آخرت است.

۹۰. لَيْسَ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وُلْدُكَ إِنَّمَا الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَ يَعْظُمَ حِلْمُكَ

خیر و خوبی این نیست که مال و فرزندت بسیار گردد بلکه خیر و خوبی این است که دانشت بسیار گردد و بردباریت بزرگ گردد. (انصاری قمی)

۹۱. مَنْ تَعَلَّمَ عَلِمَ

کسی که علم بیاموزد دانا شود (یعنی بدون آموختن کسی دانا نشود). (رسولی محلاتی)[٤]

۹۲. مَنْ تَفَهَّمَ فَهِمَ

کسی که جویای[٥] فهم باشد خواهد فهمید.

۹۳. مَنْ فَهِمَ عَلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ

کسی که اهل فهمیدن باشد، به عمق دانش می رسد (نه کسی که حفظ کند و سطحی یاد بگیرد). (درایتی با تصرف)

۹٤. مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ لَمْ يَعْلَمْ

کسی که تعلّم نکند عالم نشود (یعنی بدون درس خواندن و فرا گرفتن و شاگردی کردن کسی عالم نشود). (رسولی محلاتی با اندکی تصرف).

---

[٤] شاید هم با لحاظ تکیه کلام روی کلمه آخر چنین ترجمه شود که کسی که در فراگیری قدم بردارد بالاخره یاد خواهد گرفت و به دانش می رسد.

[٥] پیگیر و مصرّ باشد و سرسختانه و مکرر برای فهم تلاش کند.

۹۵. عَلَى الْمُتَعَلِّمِ أَنْ يَدْأَبَ[۶] نَفْسَهُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَ لَا يَمَلَّ مِنْ تَعَلُّمِهِ وَ لَا يَسْتَكْثِرَ مَا عَلِمَ

بر دانشجو لازم است که نفس خود را وا دارد به طلب علم، و از یاد گرفتن خسته نشود، و آنچه را یاد گرفته زیاد نشمارد (چون علم نهایت ندارد) (رسولی محلاتی)

۹۶. مَنْ كَلِفَ بِالْعِلْمِ فَقَدْ أَحْسَنَ إِلَى نَفْسِهِ

هر که دربارهٔ علم زحمت بکشد البتّه به خودش نیکی کرده است. (انصاری قمی)

۹۷. مَنْ عَلِمَ غَوْرَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحِكَمِ [۷]

هر که ته علم را بداند (و به عمق آن رسد) از شرایع حکمت ها (و از جائی که ماده و سرچشمه حکمت در آنجاست چنانکه ماده آب را شریعه گویند) بر گردد[۸]. (شیخ الاسلامی)

۹۸. مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصِّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ

---

[۶] در برخی نسخ یودّب دارد.

[۷] در برخی نسخ چنین آمده: من عدم غور العلم صدّ عن شرایع الحکم – هر که انتهای دانش را گم کند از شرایع حکمت ها باز داشته شود. (شیخ الاسلامی)

[۸] یعنی تا انتها و سرچشمه رفته و از آنجا دارد آب ناب و گوارا و مطلب محکم و حکیمانه و استوار می آورد.

هر که در کوچکی علم نیاموزد در بزرگی جلو نیفتد (اینکه ما می بینیم عده ای جلودار و پیشتاز و پیشوای مردم می شوند علت آنست که در کودکی با کمال جدیّت به آموختن پرداخته اند). (شیخ الاسلامی)

۹۹. مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى مَضَضِ التَّعْلِيمِ بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ

کسی که بر رنج[۹] آموختن شکیبایی نکند، تا ابد در خواری و ذلّت جهل و نادانی باقی بماند. (درایتی با اندکی افزوده)

۱۰۰. مَنْ لَمْ يُذِبْ[۱۰] نَفْسَهُ فِي اكْتِسَابِ الْعِلْمِ لَمْ يُحْرِزْ قَصَبَاتِ السَّبْقِ

کسی که خویش را در کسب دانش به زحمت نیندازد (و کوره تلاش و کوشش خود را نگدازد و وجود خود را در این را ذوب نکند)، گوی ها و جوایز سبقت و پیشی گرفتن را به دست نیاورد. (درایتی با اندکی افزوده)

۱۰۱. لَا يَسْتَنْكِفَنَّ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ

کسي که علمی را نمیداند نباید از آموختن آن علم سرباز زند. (انصاری قمی)

---

[۹] دیگران سوزش و درد هم ترجمه کرده اند واژه مضض را

[۱۰] یدئب هم در برخی نسخ آمده است.

۱۰۲. يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا عَلَّمَ أَنْ لَا يَعْنُفَ وَ إِذَا عُلِّمَ أَنْ لَا يَأْنَفَ

برای عاقل شایسته است که هرگاه تعلیم دهد (با دانشجو) درشتی نکند، و هرگاه چیزی را بیاموزد یاد گرفتن را عار نداند. (رسولی محلاتی)

۱۰۳. لَا يُدْرَكُ الْعِلْمُ بِرَاحَةِ الْجِسْمِ

علم با راحتی بدن[۱۱] به دست نخواهد آمد (بلکه رنج و زحمت می خواهد). (شیخ الاسلامی)

۱۰٤. الْعَالِمُ وَ الْمُتَعَلِّمُ شَرِيكَانِ فِي الْأَجْرِ وَ لَا خَيْرَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ

دانشمند و دانشجو هر دو در اجر و ثواب (مجلس درس) شریکند، و آنکه در میانه آن دو است (که نه دانشمند است و نه دانشجو) خیری در او نیست. (رسولی محلاتی).

٦ – ستیز دانش با نادانی (۷ حدیث)

۱۰۵. الْعِلْمُ مُمِيتُ الْجَهْلِ

[۱۱] تن آسایی و تن پروری

دانش میراننده نادانی است (یعنی علم جهل را می کشد) (شیخ الاسلامی)

۱۰۶. اَلْعِلْمُ قَاتِلُ الْجَهْلِ

دانش، کشندۀ نادانی است.

۱۰۷. اَلْعِلْمُ قَاتِلُ الْجَهْلِ وَ مُكْسِبُ النُّبْلِ

علم کشندۀ جهل و نادانی و وسیلۀ به دست آوردن زیرکی و بزرگی است. (رسولی محلاتی)

۱۰۸. رُدُّوا الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ

جهل و نادانی را به وسیله علم رد کنید. (شیخ الاسلامی با اندکی تصرف)

۱۰۹. ضَادُّوا الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ

بوسیلۀ دانائی با نادانی بستیزید. (انصاری قمی)

۱۱۰. مَنْ قَاتَلَ جَهْلَهُ بِعِلْمِهِ فَازَ بِالْحَظِّ الْأَسْعَدِ

کسی که به وسیلۀ علم خود با جهل و نادانیش پیکار کند به خوشبخت کننده ترین بهره مندی کامیاب گردیده است. (رسولی محلاتی با اندکی تصرف)

١١١. يَسِيرُ الْعِلْمِ يَنْفِي كَثِيرَ الْجَهْلِ[١٢]

اندکی دانش، نادانی های بسیاری را نیست و نابود می‌کند. (درایتی با اندکی تصرف)

٧ – نیاز دانش به شکیبایی (١٤ حدیث)

١١٢. الْعِلْمُ قَائِدُ الْحِلْمِ

علم و دانش پیشوای بردباری است (در پی خود حلم و آرامش و بردباری برای انسان می آورد.) (رسولی محلاتی)

١١٣. الْعِلْمُ مَرْكَبُ الْحِلْمِ

علم و دانش، مرکب و حمل کننده ی حلم و بردباری و شکیبایی است (شکیبایی روی دانش می نشیند و بدون دانش شکیبایی در انسان به وجود نمی آید). (رسولی محلاتی با افزوده)

١١٤. الْعِلْمُ أَصْلُ الْحِلْمِ

[١٢] در برخی نسخ به جای این حدیث چنین آمده است: يسير العلم يغني كثير الجهل يطغي

علم و دانش ریشهٔ و سرمنشا شکیبایی و بردباری و حلم است. (درایتی با اندکی افزوده)

۱۱۵. إِنَّ أَفْضَلَ الْعِلْمِ السَّكِينَةُ وَ الْحِلْمُ

برترین دانش، آرامش و وقار و شکیبایی است. (درایتی با اندکی افزوده)

۱۱٦. بِالْعِلْمِ تُدْرَكُ دَرَجَةُ الْحِلْمِ

به وسیلهٔ علم، انسان درجهٔ بردباری و حلم را درك می کند. (رسولی محلاتی)

۱۱۷. تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا مَعَ الْعِلْمِ السَّكِينَةَ وَ الْحِلْمَ فَإِنَّ الْعِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ الْحِلْمَ وَزِيرُهُ

علم را یاد گیرید و به همراه علم، آرامش و بردباری را نیز یاد گیرید، زیرا علم دوست مؤمن است و بردباری وزیر او است. (رسولی محلاتی)

۱۱۸. غَايَةُ الْعِلْمِ السَّكِينَةُ وَ الْحِلْمُ

نهایت دانش، سکینه و وقار و حلم و شکیبایی است. (درایتی با اندکی افزوده)

۱۱۹. لَنْ يُثْمِرَ الْعِلْمُ حَتَّى يُقَارِنَهُ الْحِلْمُ

دانش میوه نمی‌دهد مگر این که حلم و شکیبایی همراه آن شود.

۱۲۰. نِعْمَ قَرِينُ الْحِلْمِ الْعِلْمُ

شکیبایی بهترین همراهی کننده ی دانش است.

۱۲۱. وَقَارُ الْحِلْمِ زِينَةُ الْعِلْمِ

پابرجایی شکیبایی، آرایش دانش است.

۱۲۲. يَحْتَاجُ الْعِلْمُ إِلَى الْحِلْمِ

دانش نیازمند به شکیبایی است.

۱۲۳. يَحْتَاجُ الْعِلْمُ إِلَى الْكَظْمِ

دانش نیازمند به فروبردن [خشم] است.

۱۲٤. لَا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنْ عَقْلٍ مَعَ عِلْمٍ وَ عِلْمٍ مَعَ حِلْمٍ وَ حِلْمٍ مَعَ قُدْرَةٍ

هیچ چیزی زیباتر از خرد همراه با دانش و دانش همراه با شکیبایی و شکیبایی همراه با توانایی نیست.

۸ – زکات دانش (۱٤ حدیث)

۱۲۵.الْكَاتِمُ لِلْعِلْمِ غَيْرُ وَاثِقٍ بِالْإِصَابَةِ فِيهِ

کسی که دانش را پنهان کند، به دانستهٔ خود اعتماد ندارد.

۱۲٦.تَعَلَّمْ عِلْمَ مَنْ يَعْلَمُ وَ عَلِّمْ عِلْمَكَ مَنْ يَجْهَلُ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِمَتَ مَا جَهِلْتَ وَ انْتَفَعْتَ بِمَا عَلِمْتَ

بیاموز دانش کسی را که می‌داند، و بیاموزان دانشت را به کسی که نمی‌داند. زمانی که چنین کردی، دانسته ای آنچه را نمی‌دانستی و بهره‌مند شده‌ای به آنچه می‌دانی. (درایتی با اندکی تصرف)

۱۲۷. جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ وَ صِيَانَتُهُ وَضْعُهُ فِي أَهْلِهِ

زیبایی دانش به انتشار آن، و میوه‌اش عمل کردن به آن، و نگهداریش به آموختنش به اهلش است. (درایتی با اندکی تصرف)

۱۲۸. بَذْلُ الْعِلْمِ زَكَاةُ الْعِلْمِ

بخشیدن دانش زکات آن است.

۱۲۹. زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ

زکات دانش، نشر آن است.

۱۳۰. زَكَاةُ الْعِلْمِ بَذْلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ وَ إِجْهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ

زکات دانش در آموختنش به کسی است که شایسته ی دانستن آن است و همچنین در وادار نمودن نفس در عمل به آن است. (درایتی با اندکی تصرف)

۱۳۱. شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلُهُ بِهِ وَ بَذْلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ

شکرگذاری دانشمند نسبت به نعمت دانش خود، عمل به آن و بخشیدن آن به کسی است که سزاوار آن است. (درایتی با اندکی تصرف)

۱۳۲. عِلْمٌ لَا يَنْفَعُ كَدَوَاءٍ لَا يَنْجَعُ

دانشی که نفع ندهد، چون دارویی است که اثربخش نباشد و درمانی به همراه نیاورد. (درایتی با اندکی افزوده)

۱۳۳. كُنْ عَالِماً نَاطِقاً أَوْ مُسْتَمِعاً وَاعِياً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ الثَّالِثَ

دانشمند گویا، یا شنونده و مستمعی نگاهدارنده و حفظ کننده باش و مبادا که سومی باشی. (درایتی و شیخ الاسلامی)

۱۳٤. مَنْ كَتَمَ عِلْماً فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ

هر که علمی را پنهان دارد (و به دیگران یاد ندهد) او با شخص جاهل به آن علم یکسان است. (شیخ الاسلامی و انصاری قمی)

۱۳۵. مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَى كُلِّ عَالِمٍ أَنْ يَصُونَ بِالْوَرَعِ جَانِبَهُ وَ أَنْ يَبْذُلَ عِلْمَهُ لِطَالِبِهِ

بر هر دانشمندی واجب است با پرهیزگاری، جانب[۱۳] (شخصیت علمی) خود را نگهداری کند و دانش خود را به طالب آن بذل و بخشش کند.

۱۳٦. مَا أَخَذَ اللهُ سُبْحَانَهُ عَلَى الْجَاهِلِ أَنْ يَتَعَلَّمَ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُعَلِّمَ

خداوند سبحان بر نادان نگیرد (و او را مؤاخذه نکند) آنکه بیاموزد تا آنکه بر عالم بگیرد (و او را مؤاخذه کند) آنکه تعلیم دهد (یعنی تعلیم عالم بر تعلم جاهل مقدم است و مسؤلیت او بالاتر خواهد بود، و در روز قیامت اول از عالم بپرسند که چرا

---

[۱۳] پیرامون و حواشی، منظور رفتارها و کردار و گفتار است.

یاد ندادی سپس از جاهل که چرا یاد نگرفتی، و یا خداوند در روز الست اول از عالم عهد گرفته آنگاه از جاهل).(شیخ الاسلامی)

۱۳۷. مِلَاكُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ

ملاك و معیار و محک علم و دانش نشر و گسترش دادن آن است. (رسولی محلاتی با اندکی افزوده)

۱۳۸. إِنَّ النَّارَ لَا يَنْقُصُهَا مَا أُخِذَ مِنْهَا وَ لَكِنْ يُخْمِدُهَا أَنْ لَا تَجِدَ حَطَباً وَ كَذَلِكَ الْعِلْمُ لَا يُغْنِيهِ الِاقْتِبَاسُ وَ لَكِنْ بُخْلُ الْحَامِلِينَ لَهُ سَبَبُ عَدَمِهِ

به راستی که آتش را کم نمی کند آن (شعله ای) که از آن گرفته و برداشته می شود، ولی خاموش شدن آتش به خاطر آن است که چوبی نیابد (تا آتش به وسیلهٔ آن روشن نگهداری شود) و همین گونه است علم، که فرا گرفتن آن علم را فانی نکند، بلکه بخل ورزیدن و یاد ندادن آنها که حاملان و دارندگان علم هستند سبب نابودی آن علم می شود. (رسولی محلاتی با اندکی تصرف)

۹ – میوهٔ دانش عمل است. (۲۷ حدیث)

۱۳۹. الْعَالِمُ مَنْ شَهِدَتْ بِصِحَّةِ أَقْوَالِهِ أَفْعَالُهُ

عالم و دانشمند (واقعی) کسی است که کارها و رفتار و کردارش گواهی به درستی گفتارش دهد (و رفتار و گفتارش یکسان باشد). (رسولی محلاتی با اندکی افزوده)

١٤٠. الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ

دانش و کار با هم توأم اند هر که بداند بکند. (و هر کس نمی داند نمی تواند کننده کار باشد) (انصاری قمی با افزوده)

١٤١. الْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ

علم عمل را صدا می کند، پس اگر عمل پاسخ آن را داد که خب می ماند و گرنه علم کوچ می کند و می رود (شیخ الاسلامی با اندکی افزوده)

١٤٢. الْعِلْمُ يُرْشِدُكَ وَ الْعَمَلُ يَبْلُغُ بِكَ الْغَايَةَ

علم تو را راهنمایی و ارشاد کند، و عمل تو را به نهایت خواسته ات برساند. (رسولی محلاتی)

١٤٣. اعْمَلْ بِالْعِلْمِ تُدْرِكْ غُنْماً

دانشت را بکار بند (که با این کاربست) بهره میبری. (انصاری قمی با اندکی افزوده)

١٤٤. أَطِعِ الْعِلْمَ وَ اعْصِ الْجَهْلَ تُفْلِحْ

دانش را پیروی و نادانی را نافرمانی کن تا رستگار شوی.

۱٤٥.اعْمَلُوا بِالْعِلْمِ تَسْعَدُوا

به علم عمل کنید تا نیکبخت و سعادتمند شوید. (شیخ الاسلامی با اندکی تصرف)

۱٤٦.اطْلُبُوا الْعِلْمَ تُعْرَفُوا بِهِ وَ اعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ

بجویید دانش را تا به دانشوری شناخته شوید، و به دانش عمل کنید تا از اهل علم باشید (یعنی برای شناخته شدن پیش مردم همان خواندن کافی است، ولی وقتی عالم حقیقی هستید که عمل کنید). (رسولی محلاتی با اندکی تصرف)

۱٤۷. أَنْفَعُ الْعِلْمِ مَا عُمِلَ بِهِ

سودمندترین و پرمنفعت ترین دانش آن است که به آن عمل شود.

۱٤۸. أَحْسَنُ الْعِلْمِ مَا كَانَ مَعَ الْعَمَلِ

نیکوترین و بهترین دانشها دانشی است که با عمل همراه است. (درایتی و رسولی محلاتی و شیخ الاسلامی)

١٤٩. أَشْرَفُ[١٤] الْعِلْمِ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ

برترین دانش آن است که در جوارح (بدن) و ارکان (قلب و نیت و ذهن و اعضای درونی) انسان آشکار شود. (یعنی به آن علم عمل شود.) (درایتی با افزوده)

١٥٠. أَفْضَلُ الذَّخَائِرِ عِلْمٌ يُعْمَلُ بِهِ وَ مَعْرُوفٌ لَا يُمَنُّ بِهِ

برترین اندوخته های آدمی دانشی است که به آن عمل شود و احسانی است که به آن منّت گذاشته نشود.

١٥١. أَوْجَبُ الْعِلْمِ عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنِ الْعَمَلِ بِهِ

واجب ترین دانش برای تو دانشی است که درباره عمل به آن مورد سؤال قرار خواهی گرفت.

١٥٢. أَحْمَدُ الْعِلْمِ عَاقِبَةً مَا زَادَ فِي عَمَلِكَ فِي الْعَاجِلِ وَ أَزْلَفَكَ فِي الْآجِلِ

خوش عاقبت ترین علم علمی است که در دنیا به عمل تو بیفزاید و در آخرت تو را نزدیك گرداند (یعنی باعث قرب جایگاه تو به خدای متعال شود)

---

[١٤] در برخی نسخ افضل دارد.

١٥٣. إِذَا رُمْتُمُ الِانْتِفَاعَ بِالْعِلْمِ فَاعْمَلُوا بِهِ وَ أَكْثِرُوا الْفِكْرَ فِي مَعَانِيهِ تَعِهِ الْقُلُوبُ

زمانی که خواستید از دانش بهره برداری کنید و از آن منتفع گردید، پس به آن عمل کنید و در معانی آن زیاد تفکر نمایید تا دلها آن را حفظ کند. (درایتی با اندکی افزوده)

١٥٤. تَمَامُ الْعِلْمِ اسْتِعْمَالُهُ

تمام دانش در به کار بستن آن است.

١٥٥. تَمَامُ الْعِلْمِ الْعَمَلُ بِمُوجِبِهِ

تمام دانش در عمل کردن بر طبق است.

١٥٦. تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ تُعْرَفُوا بِهِ وَ اعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ

دانش بیاموزید تا به دانشوری شناخته شوید و به دانش عمل کنید تا از جمله ی اهل علم باشید.

١٥٧. ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعَمَلُ بِهِ

میوهٔ دانش عمل به آن است.

۱۵۸. ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعَمَلُ لِلْحَيَاةِ

میوهٔ دانش عمل برای زندگی است.

۱۵۹. جَمَالُ الْعَالِمِ عَمَلُهُ بِعِلْمِهِ

زیبایی دانشمند در عمل به دانشش است.

۱۶۰. عَلَى الْعَالِمِ أَنْ يَعْمَلَ بِمَا عَلِمَ ثُمَّ يَطْلُبَ تَعَلُّمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

بر دانشمند است به آنچه می‌داند عمل کند، آنگاه در فراگیری آنچه نمی‌داند، تلاش نماید.

۱۶۱. مَنْ خَالَفَ عِلْمَهُ عَظُمَتْ جَرِيمَتُهُ وَ إِثْمُهُ

کسی که با علم خود مخالفت کند، جریمه و گناه او بزرگ است. (درایتی با اندکی تصرف)

۱۶۲. مِنْ كَمَالِ الْعِلْمِ الْعَمَلُ بِمَا يَقْتَضِيهِ

کمال دانش، عمل نمودن به مقتضای آن است.

١٦٣. مِنْ فَضْلِ عِلْمِكَ اسْتِقْلَالُكَ لِعِلْمِكَ[١٥]

این که دانش خود را کم شماری، از فضیلتهای دانش توست.

١٠ – دانش بی‌عمل (١٢ حدیث)

١٦٤.الْعِلْمُ بِلَا عَمَلٍ وَبَالٌ

علم بی‌عمل، گرفتاری و وبال است.

١٦٥. آفَةُ الْعِلْمِ تَرْكُ الْعَمَلِ بِهِ

آفت دانش، ترك عمل به آن است.

١٦٦. عِلْمٌ بِلَا عَمَلٍ حُجَّةٌ لِلّٰهِ عَلَى الْعَبْدِ

---

[١٥] در برخی نسخ بعملک و لعملک هم دارد.

من فضل علمک استقلالک بعملک : از فضل و فزونی علم تو آنست که عملت را مستقلاً خودت انجام دهی (انصاری قمی)

من فضل علمک استقلالک لعملک: از فضل و فزونی علم تو آنست که عملت را کم بشماری

مِن أفضَلِ العِلمِ استِقلالُكَ بِعِلمِكِ : با فضیلت ترین علم این است که در علم مستقل باشی و به کسی نیاز علمی نداشته باشی.

علمی که بدون عمل است برای خدا علیه بنده حجت خواهد بود (یعنی در قیامت انسان حجتی ندارد که من نمی دانستم و خداوند حجت دارد که تو می دانستی و نکردی). (شیخ الاسلامی)

١٦٧.شَرُّ الْعِلْمِ عِلْمٌ لَا يُعْمَلُ بِهِ

بدترین دانش آن است که به آن عمل نشود.

١٦٨.مَنْ أَضَاعَ عِلْمَهُ الْتَطَمَ

کسی که علم خود را ضایع کند لطمه و صدمه خواهد خورد. (رسولی محلاتی)

١٦٩.أَوْضَعُ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ

پست ترین دانش آن است که روی زبان متوقف شود. [و به آن عمل نشود.]

١٧٠. مَا أَكْثَرَ مَنْ يَعْلَمُ الْعِلْمَ وَ لَا يَتَّبِعُهُ

چه بسیار کسی که دانش را می‌داند ولی آن را پیروی نمی‌کند.

١٧١. أَشَدُّ النَّاسِ نَدَماً عِنْدَ الْمَوْتِ الْعُلَمَاءُ غَيْرُ الْعَامِلِينَ

پشیمان‌ترین مردم هنگام مرگ، دانشمندان بی‌عمل‌اند.

۱۷۲. إِنَّمَا زَهَّدَ النَّاسَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَثْرَةُ مَا يَرَوْنَ مِنْ قِلَّةِ مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ

براستی که مردم برای این در طلب علم زهد ورزیده و کنار کشیدند که از بس دیدند کسانیکه اهل علم اند کمتر بعلمشان عمل میکنند (انصاری قمی)

۱۷۳. إِنَّ رُوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رُعَاتَهُ قَلِيلٌ

بدرستی که راویان دانش بسیارند و رعایت کنندگان آن اندك.

۱۷٤. اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ دِرَايَةٍ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ فَإِنَّ رُوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رُعَاتَهُ قَلِيلٌ

هرگاه سخن خوب و حدیثی را شنیدید آنرا برای دریافت و دانستن بشنوید و به بند حافظه بکشید نه برای بازگو کردن زیرا روایت کنندگان دانش بسیارند و رعایت کنندگانش اندك. (انصاری قمی با اندکی افزوده)

۱۷۵.مَنْ لَمْ يَتَعَاهَدْ عِلْمَهُ فِي الْخَلَاءِ فَضَحَهُ فِي الْمَلَإِ

هر که در پنهانی به حال علمش نرسد و عهدش را با آن تازه نکند (و آن را تجزیه و تحلیل و تامل و تفکر و مرور نکند و یا به آن عمل ننماید) علمش او را در ملأ عام و در مقابل مردم رسوا کند. (شیخ الاسلامی با اندکی افزوده)

۱۱ – بهترین دانشها (۱۳ حدیث)

۱۷۶.أَوْلَى الْعِلْمِ بِكَ مَا لَا يُتَقَبَّلُ الْعَمَلُ إِلَّا بِهِ

سزاوارترین علمها به تو (که آن را بیاموزی) علمی است که عملِ تو، جز به وسیلهٔ آن پذیرفته نشود. (منظور علم نیت های صالحه و قصد قربت و توحید و اخلاص و تقوا است) (رسولی محلاتی)

۱۷۷. الْعِلْمُ عِلْمَانِ مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ وَ لَا يَنْفَعُ الْمَطْبُوعُ إِذَا لَمْ يَكُ مَسْمُوعٌ

علم و دانش دو علم است: فطری و شنیدنی، و علم فطری سود ندهد اگر علم شنیدنی با آن نباشد. (رسولی محلاتی)[۱۶]

۱۷۸. أَلْزَمُ الْعِلْمِ بِكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ وَ أَبَانَ لَكَ عَنْ فَسَادِهِ

---

[۱۶] علم دو علم است: علمی که به طبع و سلیقه تحصیل شود، و علمی که باید از پیامبر یا امام به واسطه یا بی واسطه شنید، و مطبوع آن سودی نبخشد هنگامی که مسموع آن نباشد (زیرا نفع با علوم سمعی است اگر علوم شرعیه نباشد با علوم دیگر سودی عائد انسان نخواهد گردید). (شیخ الاسلامی)

دانش دوتا است یکی آنکه در طبع و نهاد انسانی نهاده شده است دیگر دانشی که بوسیلهٔ شنیدن پیدا میشود علم مطبوع مادامیکه شنیده نشود سودی ندهد و بیشتر نگردد (یعنی انسان طبعا دارای قوّه علمی است و بوسیله شنیدن آن قوّه را تکمیل میکند و بر دانش خویش میافزاید). (انصاری قمی)

لازم ترین علمها برای تو، آن علمی است که تو را به صلاح و درستی دین و آیین و مرام و مسلک و روش زندگی ات راهنمایی کند و فساد و تباهی آن را برای تو آشکار سازد. (رسولی محلاتی)

۱۷۹. خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَعَ

بهترین دانش آن است که نفع داشته باشد.

۱۸۰. خَيْرُ الْعُلُومِ مَا أَصْلَحَكَ

بهترین دانشها آن است که تو را اصلاح کند.

۱۸۱. خَيْرُ الْعِلْمِ مَا قَارَنَهُ الْعَمَلُ

بهترین دانش آن است که همراه با عمل باشد.

۱۸۲. الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ

دانش بیش از آن است که بتوان به همه آن احاطه پیدا کرد؛ پس فرا بگیرید از هر دانشی نیکوترین آن را. (درایتی با اندکی تصرف)

۱۸۳. خُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ فَإِنَّ النَّحْلَ يَأْكُلُ مِنْ كُلِّ زَهْرٍ أَزْيَنَهُ فَيَتَوَلَّدُ مِنْهُ جَوْهَرَانِ نَفِيسَانِ أَحَدُهُمَا فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ وَ الْآخَرُ يُسْتَضَاءُ بِهِ

از هر علمی بهترین آن را فرا گیرید، چرا که زنبور عسل از هر شکوفه ای زیباترینش را می خورد، و دو گوهر نفیس از او پدید آید، یکی که در آن شفا و بهبودی است برای مردم (عسل) و دیگری که بوسیلۀ آن روشنی جویند (یعنی موم). (رسولی محلاتی)

۱۸٤. خَيْرُ الْعِلْمِ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ رَشَادَكَ وَ شَرُّهُ مَا أَفْسَدْتَ بِهِ مَعَادَكَ

بهترین دانش آن است که اصلاح کنی به وسیله آن مسیر رشد خود را، و بدترین آن این است که نابود کنی به وسیله آن آخرت خود را.

۱۸۵.نِعْمَ قَرِينُ الْإِيمَانِ الْعِلْمُ

دانش، چه خوب همراهی برای ایمان است.

۱۸٦.الْإِيمَانُ وَ الْعِلْمُ أَخَوَانِ تَوْأَمَانِ وَ رَفِيقَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ

ایمان و علم دو برادر دوقلو هستند و دو رفیق شفیق جداناشدنی.

۱۲ – متفرقات (۱٤ حدیث)

۱۸۷. اخْبُرْ تَقُلْ

اول آگاه شو (با خبر شو)، آنگاه بگو.

۱۸۸. اخْتَبِرْ تَعْقَلْ

جستجو و کسب خبر کن (و آزمایش نما و خودت مشاهده کن و مطمئن شو از وجود چیزی)، آنگاه اندیشه و تحلیل کن (و پایبند و معتقد بشو). (درایتی با تصرف)

۱۸۹. أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يُزِلِ الشَّكُ يَقِينَهُ

دانشمندترین مردم کسی است که شک و گمان، اطمینان و یقین او را نلرزاند و از بین نبرد. (درایتی با اندکی افزوده)

۱۹۰. إِذَا أَرْذَلَ اللهُ عَبْداً حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ

هرگاه خداوند بنده‌ای را خوار و فرومایه کند، دانش را از او منع کند و او را از کسب دانش باز دارد.

۱۹۱. مَنِ ادَّعَى مِنَ الْعِلْمِ غَايَتَهُ فَقَدْ أَظْهَرَ مِنْ جَهْلِهِ نِهَايَتَهُ

کسی که ادّعا کند به نهایت دانش رسیده است، پس نهایت نادانی خود را نمایان ساخته است.

۱۹۲. عِلْمٌ لَا يُصْلِحُكَ ضَلَالٌ وَ مَالٌ لَا يَنْفَعُكَ وَبَالٌ

دانشی که تو را اصلاح نکند گمراهی است. و مالی که تو را سود ندهد وبال و گرفتاری است.

۱۹۳. لَا تُعَادُوا مَا تَجْهَلُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْعِلْمِ فِيمَا لَا تَعْرِفُونَ

با آنچه نمی‌دانید، دشمنی نکنید؛ زیرا به درستی که بیشتر دانش در ناشناخته‌های شماست.

۱۹٤. قَدْ يَسْتَظْهِرُ الْمُحْتَجُّ

گاهی قوی پشت می گردد و یاری می گردد کسی که احتجاج شده بر علیه او و بر ضد او حجتی آورده اند (یعنی کار دست خداست و چه بسا ورق احتجاج برگردد و متهم غالب شود) (آقا جمال خوانساری با قدری افزوده)

۱۹۵.لِيَكُنْ مَسْأَلَتُكَ مَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَ يُنْفَى عَنْكَ وَبَالُهُ

باید درخواست و مسئلت تو چنان (حکیمانه و دقیق) باشد که زیبایی آن برای تو باقی بماند و تو را از گرفتاری حاجتت رها نماید. (درایتی با تصرف)

۱۹۶.قَدْ تَغْرُبُ الْآرَاءُ

گاه رأیها دور[۱۷] می‌افتند و ذهنها همه به اشتباه به جای دیگری می روند (مدیریت ذهن ها دست خداست).

۱۹۷.كُلُّ عَارِفٍ مَهْمُومٌ

هر عارف و اهل معرفتی مهموم و اندوهگین است[۱۸].

۱۹۸.كُلُّ عَارِفٍ عَائِفٌ

هر عارفی ناخوش دارنده است یعنی دنیا را و سعی از برای آنرا. (آقا جمال)

۱۹۹. مَا ضَادَّ الْعُلَمَاءَ كَالْجُهَّالِ

---

[۱۷] در غربت و غریب و بعید

[۱۸] از غم هجران یار و انتظار نظر الهی به او و وصال و لقاء الهی

کسی همانند نادانان با دانشمندان مخالفت و ضدیت نکرده است (و اهل علم از جهال رنج بسیار برده اند).

۲۰۰. لَا يُؤْتَى[۱۹] الْعِلْمُ إِلَّا مِنْ سُوءِ فَهْمِ السَّامِعِ

ضربه و آفتی بر علم و دانش نخورد مگر از طریق بدی فهم شنونده و کج فهمی او. (رسولی محلاتی)[۲۰]

---

[۱۹] در برخی نسخ لا یوبی دارد یعنی ابا نمی شود از علم مگر به خاطر بدفهمی شنونده

[۲۰] آمده نمی شود علم مگر از بدی فهم شنونده یعنی آفتی بپیش آن نمی آید و به آن نمی رسد مگر از راه بدی فهم شنونده که بسبب آن نفهمد آنرا یا غلط فهمد. (آقا جمال)

آمده نمی شود علم (یعنی آفتی به آن نخواهد رسید) مگر از بدی فهم شنونده (که آن سبب غلط فهمیدن یا نفهمیدن شود و ممکن است چنین معنی شود: علم به دست نیاید مگر از راه بدی فهم شنونده که وقتی دیر فهمید در مطالعه و کاوش می کوشد تا آن را به دست آورد و لذا افراد کم حافظه بسیار دیده شده که از علماء بزرگ گردیده اند). (شیخ الاسلامی)